

The Relationship Between Attachment Styles, Defense Mechanisms, Childhood Trauma, and Psychological Hardiness

Fatemeh Eyni Ahkalani¹, Fatemeh pooragha roodbardeh*²

1. M.Sc. Student psychology, Rahbordshomal Institute of Higher Education, Rasht, Iran.

2. Assistant Prof., Department of Psychology, Rahbordshomal Institute of Higher Education, Rasht, Guilan, Iran.

*Corresponding Author: Fatemeh pooragha roodbardeh, E-mail: fatemeh.pooragha@yahoo.com

Abstract

Background and Aim: The student years represent a challenging period for young individuals. During this time, experiences such as assessments, exams, and sometimes confusion about the future put them in vulnerable situations. The aim of this study was to examine the relationship between attachment styles, defense mechanisms, childhood trauma, and psychological hardiness.

Methods: This is a descriptive-correlational research design. The statistical population of the study consisted of all undergraduate and graduate students in Rasht city during the academic year 2023-2024. A sample of 200 students, with an average age of 26.2 years, and a gender distribution of 77.5% (155) female and 22.5% (45) male, was selected using convenience sampling. To collect data, the following questionnaires were used: Kobasa Maddi's Psychological hardiness (1992), Collins and Read's Adult Attachment Styles (1990), Anders et al.'s Defense Mechanisms (1993), and Bernstein et al.'s Childhood Trauma (2003). The data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multiple regression analysis.

Results: The results indicated that psychological hardiness had a significant positive relationship with secure attachment style, but a significant negative relationship with anxious attachment style and underdeveloped defense mechanisms. Avoidant attachment style, developed defense mechanisms, neuroticism, and childhood trauma dimensions did not show significant relationships with psychological hardiness. Additionally, the results showed that 43.6% of the variance in the criterion variable (psychological hardiness) could be explained by the predictor variables, with anxious attachment style and underdeveloped defense mechanisms contributing the most to predicting psychological resilience.

Conclusion: It can be concluded that anxious attachment style and underdeveloped defense mechanisms are significantly associated with a decrease in psychological hardiness, while secure attachment style is positively related to an increase in psychological hardiness among students.

Keywords: Psychological hardiness, Attachment styles, Defense mechanisms, Childhood trauma

DOI: 10.22098/pbeo.2025.18868.1076

Received: 2025/03/18

Accepted: 2025/05/03

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی با سرسختی روانشناختی

فاطمه عینی آهکلائی^۱، فاطمه پورآقا رودبرده^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، رشت، ایران.

۲. دکتری روانشناسی تربیتی، استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، رشت، گیلان، ایران.

* نویسنده مسئول: فاطمه پورآقا رودبرده، رایانامه: E-mail: fatemeh.pooragha@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: دوران دانشجویی، برهه ای پر چالش برای قشر جوان است. در این بازه زمانی، تجربه موقعیت هایی چون ارزیابی و امتحان و گاهی احساس سردرگمی درباره آینده، آنان را در شرایط آسیب پذیری قرار می دهد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی با سرسختی روانشناختی بود.

روش: طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد شهرستان رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. نمونه ای شامل ۲۰۰ دانشجو با میانگین سنی ۲۶/۲ سال و نسبت جنسیتی ۷۷/۵٪ (۱۵۵ نفر) زن و ۲۲/۵٪ (۴۵ نفر) مرد با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های سرسختی روانشناختی کویاسا و مدی (۱۹۹۲)، سبک های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰)، سبک های دفاعی آندرز و همکاران (۱۹۹۳) و آسیب های دوران کودکی برنستاین و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد. داده ها به وسیله ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان تحلیل شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که سرسختی روانشناختی با سبک دلبستگی ایمن رابطه معناداری دارد اما با سبک دلبستگی اضطرابی و مکانیسم دفاعی رشد نیافته رابطه منفی و معناداری دارد. سبک دلبستگی اجتنابی، مکانیسم دفاعی رشد یافته و روان رنجور و ابعاد آسیب های دوران کودکی با سرسختی روانشناختی رابطه معناداری ندارند. همچنین نتایج نشان داد که ۴۳/۶ درصد از متغیر ملاک (سرسختی روانشناختی) بر اساس متغیرهای پیش بین قابل تبیین است و از بین متغیرهای پیش بین، تنها دو متغیر سبک دلبستگی اضطرابی و مکانیسم های دفاعی رشد نیافته از بیشترین سهم برای پیش بینی سرسختی روانشناختی برخوردارند.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی اضطرابی و مکانیسم های دفاعی رشد نیافته با کاهش سرسختی روانشناختی و سبک دلبستگی ایمن با افزایش سرسختی روانشناختی در دانشجویان رابطه معناداری دارد.

واژه های کلیدی: سرسختی روانشناختی، سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی، آسیب های دوران کودکی

DOI: 10.22098/pbeo.2025.18868.1076

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

مقدمه

دوران دانشجویی برهه‌ای پرچالش برای قشر جوان است. در این بازه زمانی، تجربه موقعیت‌هایی چون ارزیابی و امتحان و گاهی احساس سردرگمی درباره آینده، آنان را در شرایط آسیب پذیری قرار می‌دهد (گوندو، مورو و کامپیلو^۱، ۲۰۲۳). از این رو برخورداری از مشخصه‌ای چون سرسختی روانشناختی^۲ به عنوان یک منبع مقاومت در مواجهه با شرایط تنش‌زای زندگی، می‌تواند گزینه مهمی برای همه افراد به ویژه دانشجویان باشد. سرسختی روانشناختی متشکل از سه جزء شامل تعهد شخصی نسبت به اهداف، احساس کنترل بر امور و علاقه‌مندی به چالش‌های زندگی به عنوان راهی برای رشد است (میوسن^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). نتایج مطالعه‌ای نشان داد که سرسختی روانشناختی در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و تاب‌آوری و همچنین سبک دلبستگی اضطرابی و تاب‌آوری، نقش واسطه‌ای معنادار دارد اما معناداری سرسختی روانشناختی بین سبک دلبستگی اجتنابی و تاب‌آوری تایید نشد (نقش، رهبری و وکیلی، ۱۳۹۹). در مطالعه‌ای محمودیان و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که سرسختی روانشناختی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و آشفتگی روانشناختی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. در واقع سبک‌های دلبستگی^۴ یک سیستم انگیزش اساسی معرفی شده توسط بالبی^۵ است که رفتارهای نزدیکی طلبی، مجاورت و درخواست مراقبت شدن و مراقبت کردن را سازمان می‌دهد (میکولینسر و شاور^۶، ۲۰۱۹).

تعامل با مراقبین عمدتاً حساس / پاسخگو منجر به سبک دلبستگی ایمن می‌شود. زمانی که منابع دلبستگی به طور قابل اعتماد، حساس و پاسخگو نباشند، ممکن است سبک دلبستگی ناایمن ایجاد شود. اجتناب، یک بعد سبک دلبستگی ناایمن است که میزان بی‌اعتمادی فرد به قصد دیگران و تلاش تدافعی برای حفظ استقلال رفتاری و عاطفی را منعکس می‌کند. بعد دیگر، اضطراب است که میزان نگرانی فرد از عدم حمایت دیگران را نشان می‌دهد (چرناک^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). در نتیجه بین سبک دلبستگی ناایمن و دو سوگرا با سرسختی روانشناختی رابطه معنادار و منفی و بین سبک دلبستگی ایمن با سرسختی روانشناختی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (شادفر و خلیلی، ۱۳۹۹). به عبارتی سبک دلبستگی ایمن می‌تواند سطوح سرسختی روانشناختی را افزایش دهد (کاراکوز^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین سبک دلبستگی با سرسختی روانشناختی رابطه دارد (جین و وانگ^۹، ۲۰۱۸).

در مطالعه‌ای یزدی و افشاری نژاد (۱۳۹۹) نشان دادند که سبک‌های دلبستگی هم به طور مستقیم و هم به واسطه‌گری مکانیسم‌های دفاعی روان رنجور بر ترس از موفقیت دانشجویان اثرگذار است. فروید^{۱۰} مکانیسم‌های دفاعی^{۱۱} را مجموعه‌ای از

¹ Gondo, Moreau & Campilo

² Psychological hardiness

³ Meeusen

⁴ Attachment styles

⁵ Bulbi

⁶ Mikulincer & Shaver

⁷ Cherniak

⁸ Caruzzo

⁹ Jin & Wang

¹⁰ Freud

¹¹ Defense mechanisms

تدابیر ناهشیار می داند که به منظور رفع هیجانات منفی به کار گرفته می شود (ریلی^۱، ۲۰۱۸). مکانیسم های دفاعی به سه دسته رشد یافته، روان رنجور و رشد نیافته تقسیم می شوند (لیو، کانگ و تانگ^۲، ۲۰۲۱). مکانیسم های دفاعی رشد نیافته و روان رنجور با سرسختی روان شناختی، همبستگی منفی و معنادار دارد اما مکانیسم های دفاعی رشد یافته با سرسختی روان شناختی رابطه مثبت و معناداری دارند (تیلاب و خوش روش، ۱۳۹۶). بنابراین هرچه سرسختی روانشناختی افراد بالاتر باشد از مکانیسم های دفاعی رشد یافته تری استفاده می کنند (سلطانی، خلیلی و سهرابی، ۱۳۹۲).

در مطالعه ی رضوی و عابد (۱۴۰۱) نیز مشخص شد که مکانیسم های دفاعی رشد نیافته نقش میانجی را در بین آسیب های دوران کودکی و ویژگی های خود تخریبگری ایفا می کنند. آسیب های دوران کودکی^۳ به عنوان سوء استفاده یا غفلت درک می شود و مهم ترین آنها عبارتند از سوء استفاده هیجانی، جنسی و فیزیکی و غفلت هیجانی و فیزیکی (فرخزادیان، رضایی و صادقی، ۱۳۹۸). نتایج مطالعات مختلف حاکی از آن است که تجارب مثبت دوران کودکی، سرسختی روانی را پیش بینی می کند (شاو، هانسن و تامپسون^۴، ۲۰۲۳). به عبارتی اگر تجارب دوران کودکی، مثبت باشد سرسختی روانشناختی را افزایش می دهد و اگر منفی باشد باعث کاهش سرسختی روانشناختی می شود (دینلی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه نقش دانشجویان در رشد و شکوفایی کشور بر کسی پوشیده نیست، نقشی که اگر به شکل درست هدایت شود می تواند آثار بسیار خوبی برای کشور رقم بزند. دانشجویان، قشر فعال و آینده ساز کشور هستند. آنها بخش عظیمی از نیروی کار متخصص جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین توجه به سلامت روان این قشر ارزنده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به مرور مطالعات انجام شده، می توان بیان کرد که ارتقا سطح سرسختی روانشناختی دانشجویان به منظور حل چالش های دوران تحصیل بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین شناخت عواملی که بر افزایش سرسختی روانشناختی آنها موثر است، از جمله اهداف مهم پژوهشگران این حوزه می باشد. در این پژوهش بر آن هستیم که با شناسایی سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در میزان سرسختی روانشناختی دانشجویان گامی در جهت آگاه سازی دانشجویان، خانواده ها و سازمان های مرتبط برداریم تا شاهد تدوین برنامه هایی در جهت پیشگیری و کاهش آسیب های وارده بر این قشر فعال و اثرگذار باشیم.

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل شهرستان رشت در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. با توجه به تعداد متغیرهای پژوهش و در نظر گرفتن تعداد ۵۰ نمونه به ازای هر متغیر، حجم نمونه ۲۰۰ نفر برآورد شد و نمونه ها به شیوه نمونه گیری در دسترس جمع آوری شدند. برای جمع آوری نمونه ها ابتدا پرسشنامه ها را در پرسلاین طراحی کردیم و سپس از طریق فضای مجازی با نماینده های گروه های درسی دانشگاه های مختلف ارتباط برقرار کرده و هدف پژوهش را برای آنها شرح دادیم. سپس لینک پرسشنامه توسط نماینده ها به گروه های درسی ارسال شد. جهت تجزیه و تحلیل یافته های جمعیت شناختی از آمار توصیفی (میانگین،

¹ Reilly

² Liu, Kang & Tang

³ Childhood traumas

⁴ Shaw, Hansen & Thompson

انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی) و جهت بررسی فرضیه های پژوهش از آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند گانه همزمان) استفاده شد. کلیه داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۲۲ تحلیل شد. پرسشنامه سرسختی روانشناختی (HS)^۱: توسط کوباسا و مدی^۲ (۱۹۹۲) برای اندازه گیری سرسختی روانشناختی تهیه شده است. این آزمون از ۲۰ سوال و ۳ خرده مقیاس تعهد، کنترل و مبارزه جویی تشکیل شده است. طیف لیکرت پرسشنامه از هرگز (۱) تا اغلب اوقات (۴) می باشد. آلفای کرونباخ ۰/۸۱ توسط سازندگان گزارش شده است. همچنین الهام پور و گنجی (۱۳۹۶) روایی این آزمون را تایید کرده اند.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (RAAS)^۳: این آزمون توسط کولینز و رید^۴ (۱۹۹۰) جهت سنجش سبک های دلبستگی تهیه شده است. این مقیاس در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت. طیف لیکرت آن شامل به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد (۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد (۵) می باشد. سه زیر مقیاس این پرسشنامه شامل سبک های اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی است. نتایج پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) نشان داد آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است و این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است.

پرسشنامه سبک های دفاعی (DSQ-40)^۵: این پرسشنامه توسط آندرز^۶ و همکاران (۱۹۹۳) تنظیم شد. ۲۰ مکانیسم دفاعی را در سه عامل رشد یافته، رشد نایافته و روان رنجور از یکدیگر مورد بازشناسی قرار داده است. طیف لیکرت پرسشنامه از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۹) می باشد. نتایج مطالعات در فرانسه و برزیل و پرتقال نشان داد که این پرسشنامه ابزار مفید و سودمندی به شمار رفته و از روایی و اعتبار مطلوبی برخوردار است. پرسشنامه سبک های دفاعی در ایران نیز توسط حیدری نسب و شعیری (۱۳۹۷) مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت.

پرسشنامه آسیب های دوران کودکی (CTQ)^۷: این مقیاس توسط برنستاین^۸ و همکاران (۲۰۰۳) به منظور سنجش آسیب های دوران کودکی ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۸ سؤال و ۵ زیرمقیاس است. سازندگان ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد سوءاستفاده عاطفی، جسمی، جنسی و غفلت عاطفی و جسمی به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۷۸ و همچنین روایی همزمان آن در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ را گزارش کردند. در ایران ابراهیمی، دژکام و ثقه الاسلام (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را از ۰/۸۱ تا ۰/۹۸ گزارش کرده اند.

¹ Hardiness Scale

² Kobasa & Maddi

³ Attachment Scale Revised Adult

⁴ Collins & Read

⁵ Defense Styles Questionnaire

⁶ Anders

⁷ Childhood Trauma Questionnaire

⁸ Bernstein

یافته ها

در این پژوهش ۲۰۰ دانشجوی شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین و انحراف معیار سنی آن ها به ترتیب برابر $26/2 \pm 6/68$ سال بود. بررسی وضعیت جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل آن ها نشان داده که ۷۷/۵٪ (۱۵۵ نفر) زن و ۲۲/۵٪ (۴۵ نفر) مرد بودند. ۵۶/۵٪ (۱۱۳ نفر) دانشجوی کارشناسی و ۴۳/۵٪ (۸۶ نفر) دانشجوی کارشناسی ارشد بوده که ۷۹٪ (۱۵۸ نفر) مجرد و ۲۱٪ (۴۲ نفر) متأهل می باشند. در این پژوهش نمره کل سرسختی روانشناختی، سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی)، مکانیسم های دفاعی (رشد یافته، رشد نایافته، روان رنجور) و آسیب های دوران کودکی (سوءاستفاده عاطفی، فیزیکی، جنسی و غفلت عاطفی و جسمی) مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱، میزان شاخص های توصیفی متغیرهای نامبرده را نشان می دهد.

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشدگی
سبک دلبستگی ایمن	۲۰۰	۱۲	۲۵	۱۹/۱۹۷۸	۲/۹۴۰۹۷	-۰/۱۳۴	-۰/۶۲۳
سبک دلبستگی اجتنابی	۲۰۰	۱۱	۲۵	۱۸/۴۱۰۰	۲/۷۶۹۵۲	-۰/۷۷	-۰/۵۶۴
سبک دلبستگی اضطرابی	۲۰۰	۶	۳۰	۱۶/۸۵۵۰	۵/۷۸۲۸۴	-۰/۱۲	-۰/۷۶۱
مکانیسم دفاعی رشد نایافته	۲۰۰	۴۳	۲۰۳	۱۱۳/۳۱۰۰	۲۵/۱۳۷۴۹	۰/۱۰۹	۰/۶۱۷
مکانیسم دفاعی رشد یافته	۲۰۰	۱۳	۶۸	۴۴/۳۹۰۰	۹/۴۴۵۳۱	-۰/۵۰۴	۰/۹۸۷
مکانیسم دفاعی روان رنجور	۲۰۰	۱۲	۶۰	۴۰/۳۵۵۰	۹/۱۵۰۸۳	-۰/۳۰۶	۰/۸۲۰
سرسختی روانشناختی	۲۰۰	۳۸	۷۶	۵۱/۴۵۰۰	۷/۳۰۲۳۴	۰/۹۸۰	۱/۱۱۳
سوءاستفاده عاطفی	۲۰۰	۵	۲۴	۸/۱۴۴۳	۳/۹۶۱۵۸	۱/۶۴۲	۲/۴۸۵
سوءاستفاده فیزیکی	۲۰۰	۵	۱۸	۶/۴۵۲۷	۲/۶۹۰۵۴	۲/۵۸۳	۶/۷۴۹
سوءاستفاده جنسی	۲۰۰	۵	۲۵	۶/۹۸۵۱	۳/۵۴۴۶۸	۲/۱۸۷	۴/۹۸۰
غفلت عاطفی	۲۰۰	۵	۲۲	۱۰/۶۶۶۷	۴/۴۶۰۱۹	۰/۵۴۶	-۰/۵۹۹
غفلت جسمی	۲۰۰	۵	۱۸	۷/۵۶۲۲	۲/۹۹۷۸۹	۱/۳۷۵	۱/۳۱۱

جدول ۲. نتایج رگرسیون هم زمان متغیرهای پژوهش

دوربین واتسون	R ²	P	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	
۰/۷۷۲	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰ ^b	۵/۵۴۹	۲۰۹/۶۰۸	۱۱	۲۳۰۵/۶۸۴	رگرسیون
				۳۷/۷۷۴	۷۹	۲۹۸۴/۱۴۱	باقی مانده
					۹۰	۵۲۸۹/۸۲۴	کل

جهت بررسی رابطه بین سرسختی روانشناختی با سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. طبق نتایج جدول شماره ۲، سرسختی روانشناختی با سبک دلبستگی ایمن (۰/۳۳۲) رابطه مثبت و معناداری دارد اما با سبک دلبستگی اضطرابی (-۰/۵۱۴) و مکانیسم های دفاعی رشد نایافته (-۰/۳۴۶) رابطه منفی و معناداری دارد.

سبک دلبستگی اجتنابی، مکانیسم های دفاعی رشد یافته و روان رنجور و ابعاد آسیب های دوران کودکی با سرسختی روانشناختی رابطه معناداری ندارند.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

متغیرهای پیش بین	B	β	t	P	tolerance	VIF
مقدار ثابت	۵۳/۹۵۳		۶/۲۱۸	۰/۰۰۰		
سبک دلبستگی ایمن	۰/۳۷۹	۰/۱۴۵	۱/۵۳۰	۰/۱۳۰	۰/۷۹۰	۱/۲۶۶
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۳۰۷	۰/۱۱۱	۱/۱۸۶	۰/۲۳۹	۰/۸۱۹	۱/۲۲۱
سبک دلبستگی اضطرابی	-۰/۶۰۵	-۰/۴۵۳	-۴/۲۶۵	۰/۰۰۰	۰/۶۳۲	۱/۵۸۲
مکانیسم دفاعی رشد نیافته	-۰/۱۱۴	-۰/۳۶۹	-۳/۶۱۶	۰/۰۰۱	۰/۶۸۶	۱/۴۵۷
مکانیسم دفاعی رشد یافته	۰/۰۴۵	۰/۰۵۸	۰/۶۰۶	۰/۵۴۶	۰/۷۷۷	۱/۲۸۷
مکانیسم دفاعی روان رنجور	۰/۱۷۴	۰/۱۹۳	۱/۸۲۵	۰/۰۷۲	۰/۶۳۸	۱/۵۶۸
سوء استفاده عاطفی	۰/۰۲۸	۰/۰۱۵	۰/۱۲۳	۰/۹۰۲	۰/۴۸۰	۲/۰۸۴
سوء استفاده فیزیکی	-۰/۴۱۸	-۰/۱۴۸	-۱/۲۷۶	۰/۲۰۶	۰/۵۲۹	۱/۸۹۰
سوء استفاده جنسی	-۰/۱۸۱	-۰/۰۷۹	-۰/۶۳۴	۰/۵۲۸	۰/۴۶۲	۲/۱۶۵
غفلت عاطفی	-۰/۱۱۲	-۰/۰۶۹	-۰/۴۹۷	۰/۶۲۱	۰/۳۷۰	۲/۷۰۱
غفلت جسمی	۰/۵۳۳	۰/۲۲۵	۱/۲۶۲	۰/۲۱۱	۰/۲۲۵	۴/۴۵۰

جهت پیش بینی سرسختی روانشناختی بر اساس متغیرهای پیش بین، از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. قبل از استفاده از این آزمون، مفروضه ی وجود رابطه ی خطی بین متغیرهای پیش بین و ملاک، با توجه به نمودار پراکنش متغیرها، مفروضه ی همگن بودن واریانس خطاها و نرمال بودن عبارت خطاها، مفروضه ی نرمال بودن توزیع داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف ($P > ۰/۰۵$)، مفروضه ی استقلال باقی مانده ها با استفاده از آماره ی دوربین- واتسون (قرارگیری در بازه ی ۱/۵ تا ۲/۵) و مفروضه ی نبود هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل با استفاده از شاخص تلورانس (بزرگ تر از ۰/۱) تأیید شد. نتایج آنالیز واریانس نیز نشان داد که مدل رگرسیونی برازش داده شده از کفایت مناسبی برخوردار است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که این مدل معنادار است و میزان R^2 نیز نشان داد که ۴۳/۶ درصد از متغیر ملاک (سرسختی روانشناختی) بر اساس متغیرهای پیش بین (سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی) قابل تبیین است. با توجه به ضرایب رگرسیون می توان بیان کرد که از بین متغیرهای پیش بین تنها دو متغیر سبک دلبستگی اضطرابی و مکانیسم های دفاعی رشد نیافته از بیشترین سهم برای پیش بینی سرسختی روانشناختی آزمودنی های مورد بررسی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سرسختی روانشناختی با سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی انجام شده است. نتایج همبستگی نشان داد که سرسختی روانشناختی با دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنادار دارد اما با دلبستگی اضطرابی و مکانیسم های دفاعی رشد نایافته رابطه منفی و معنادار دارد. دلبستگی اجتنابی، مکانیسم های دفاعی رشد یافته و روان رنجور و ابعاد آسیب های دوران کودکی با سرسختی روانشناختی رابطه معناداری نشان ندادند. نتایج رگرسیون نشان داد که ۴۳/۶ درصد از متغیر ملاک (سرسختی روانشناختی) بر اساس متغیرهای پیشین (سبک های دلبستگی، مکانیسم های دفاعی و آسیب های دوران کودکی) قابل تبیین است و سبک دلبستگی اضطرابی و مکانیسم های دفاعی رشد نایافته بهترین پیش بینی کننده ها برای سرسختی روانشناختی هستند.

نتایج مطالعات محمودیان و همکاران (۱۴۰۰)، نقش، رهبری و وکیلی (۱۳۹۹)، سلطانی، خلیلی و سهرابی (۱۳۹۲)، کاراکوز و همکاران (۲۰۲۱) و جین و وانگ (۲۰۱۸) نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن با سرسختی روانشناختی رابطه مثبت و معنادار و سبک دلبستگی اضطرابی با سرسختی روانشناختی رابطه منفی و معنادار دارد که با نتایج پژوهش حاضر همسو است. به عبارتی دانشجویانی که سبک دلبستگی ایمن دارند در رویدادهای استرس زا سرسختی روانشناختی بالایی از خود نشان می دهند و بالعکس دانشجویانی که سبک دلبستگی اضطرابی دارند در شرایط بحرانی سرسختی روانشناختی پایینی را از خود نشان می دهند.

در تبیین این نتایج می توان گفت با توجه به اینکه تجربیات اولیه فرد با مراقب، درونی می شود و به بزرگسالی انتقال می یابد، کودکی که در هنگام نیاز، تجربه داشتن یک مراقب به اندازه کافی حساس، در دسترس و پاسخگو را داشته است، در رابطه با مراقب احساس امنیت می کند و این امنیت را درونی کرده و همانطور که اطمینان دارد در مواقع استرس می تواند روی حمایت مراقب حساب کند در بزرگسالی نیز بر این باور است که می تواند روی حمایت خودش به عنوان بزرگسال سالم تکیه کند، بنابراین توان کنترل و تغییر شرایط استرس زا را دارد و در رویدادهای استرس زا همانند چالش های دوران دانشجویی، این چالش ها را بخشی طبیعی از زندگی خود و حتی شرایط و تمرینی برای رشد خود می داند؛ اما کودکی که تجربه داشتن یک مراقب حساس، در دسترس و پاسخگو را نداشته، یک بزرگسال سالم، سرسخت و حامی را درونی نکرده و در نتیجه در چالش ها دچار آشفتگی درونی می شود و نمی تواند به خوبی در برابر ناامنی درونی به خود کمک کند (محمودیان و همکاران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر سبک دلبستگی بر انتخاب راهبردهای مقابله ای دانشجویان اثرگذار است. به عبارتی دانشجویی که سبک دلبستگی ایمن دارد در مواجهه با چالش ها، تلاش می کند که از طریق عمل حساب شده و تفکر منطقی چالش موجود را برطرف کند. او در مقابله با تنش ها، به ارتقای هیجانات مثبت و انگیزه ی خود می پردازد. در مقابل دانشجویی که سبک دلبستگی اضطرابی دارد، در مواجهه با بحران ها خود را درمانده و ناتوان احساس می کند و توانایی سازگاری با موقعیت استرس زا را ندارد، بنابراین به طور مکرر به دنبال حمایت اطرافیان است. بنابراین می توان نتیجه گرفت دانشجویی که سبک دلبستگی ایمن دارد در مواجهه با چالش ها از راهبرد مقابله ای کارآمد استفاده می کند، بنابراین سرسختی روانشناختی بالایی از خود نشان می دهد و

بالعکس دانشجویی که سبک دلبستگی اضطرابی دارد در مواجهه با چالش ها از راهبردهای مقابله ای ناکارآمد استفاده می کند که همین امر سبب می شود سرسختی روانشناختی اندکی از خود نشان دهد.

نتایج پژوهش تیلاب و خوش روش (۱۳۹۶) همسو با نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مکانیسم دفاعی رشد نیافته با سرسختی روانشناختی رابطه منفی و معنادار دارد. به عبارتی دانشجویانی که در مواجهه با چالش های دوران تحصیل از مکانیسم دفاعی رشد نیافته استفاده می کنند از سرسختی روانشناختی پایینی برخوردارند. در تبیین این نتیجه یادآوری می کنیم که فروید مکانیسم های دفاعی را مجموعه ای از تدابیر ناهشیار می دانست که به منظور رفع هیجانات منفی به کار گرفته شده و به سه دسته رشد یافته، روان رنجور و رشد نیافته تقسیم می شوند. مکانیسم های دفاعی رشد نیافته شامل انکار، فرافکنی، تحریف، درون فکنی، خشم انفعالی، کنش نمایی، خود بیمار انگاری، جسمانی سازی و واپس روی می باشد. دانشجویانی که در مواجهه با چالش های دوران تحصیل از مکانیسم های دفاعی رشد نیافته استفاده می کنند، به جای حل و فصل خردمندانه مسائل، به حذف صورت مسئله یا فرار از مسئله متوسل می شوند. انباشته شدن چالش های بیرونی از یک سو و تنش درونی حاصل از فشار مکانیسم های دفاعی رشد نیافته از سویی دیگر موجب بروز نوعی فرسودگی روانی شده و همین امر سرسختی روانشناختی دانشجویان را در مواجهه با چالش ها به طور چشمگیری کاهش می دهد.

نتایج مطالعات شاو، هانسن و تامپسون (۲۰۲۳) و دینلی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که تجارب خوشایند دوران کودکی موجب افزایش سرسختی روانشناختی در بزرگسالی و تجارب ناخوشایند دوران کودکی موجب کاهش سرسختی روانشناختی در بزرگسالی می شود، در حالی که نتایج حاصل از پژوهش حاضر با این یافته ها ناهمسو است. به عبارتی پژوهش حاضر نشان داد که آسیب های دوران کودکی رابطه ی معناداری با سرسختی روانشناختی دانشجویان ندارد. در تبیین این یافته می توان گفت شاید دانشجویان حاضر در پژوهش در بیان آسیب های دوران کودکی خود پنهان کاری کرده اند یا اینکه آگاهی لازم از آسیب بودن برخی اتفاقات نداشته و آن را عادی تصور کرده اند. همچنین ممکن است گروه مورد بررسی از آسیب چندانی برخوردار نبوده یا به واسطه حمایت های اجتماعی جبران کننده آسیب های وارده را ترمیم کرده اند.

محدودیت های پژوهشی

۱. شیوه نمونه گیری در دسترس که احتمالاً یافته های مطالعه را محدود یا تحت تأثیر قرار می دهد.
۲. عدم امکان کنترل متغیرهای مداخله گر مانند طبقه اجتماعی- فرهنگی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، روابط اجتماعی و شرایط تحصیلی دانشجویان.

۳. جمع آوری اطلاعات از طریق نرم افزار پرسلاین.

۴. عدم بررسی جنسیت به عنوان متغیر تعدیل گر یا کنترل.

پیشنهاد های پژوهشی

۱. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی برای اطمینان از تعمیم نتایج به جمعیت خارج از گروه، بررسی مشابه با روش های نمونه گیری معتبرتر به جای نمونه گیری در دسترس، صورت گیرد.
۲. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، متغیرهای مداخله گر مانند طبقه اجتماعی- فرهنگی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، روابط اجتماعی و شرایط تحصیلی دانشجویان کنترل شود تا به نتایج قطعی تر دست یابند.

۳. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی از فرم پرسشنامه کتبی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شود.

۴. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، جنسیت به عنوان متغیر تعدیل گر یا کنترل لحاظ شود.

تشکر و قدردانی

در پایان از تمام دانشجویانی که همکاری لازم را به عمل آوردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم.

منابع

- الهام پور، فوزیه؛ گنجی، حمزه. (۱۳۹۶). بررسی روایی و پایایی مقیاس سرسختی روانشناختی. فصلنامه علمی- پژوهشی روانسنجی، ۲۵(۷)، ۱۱۷-۱۳۲.
- ابراهیمی، حجت الله؛ دژکام، محمود؛ ثقه الاسلام، طاهره. (۱۳۹۱). آسیب های دوران کودکی و اقدام به خودکشی در بزرگسالی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۹(۴)، ۲۷۵-۲۸۲.
- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین دلبستگی و جامعه پذیری در جوانان. پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- تیلاب، شقایق؛ خوش روش، وحید. (۱۳۹۶). رابطه بین مکانیسم های دفاعی و سرسختی روانشناختی در دریافت کنندگان مشاوره پیش از بحران (اورژانس اجتماعی) در غرب استان مازندران. یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- حیدری نسب، لیلا؛ شعیری، محمدرضا. (۱۳۹۷). ساختار عاملی پرسشنامه سبک های دفاعی در نمونه های غیر بالینی ایرانی. دینلی، ستاره؛ بادامی، رخساره؛ مشکاتی، زهره؛ فائق، سحر. (۱۳۹۸). تأثیر تجارب ناگوار دوران کودکی بر تغییر چشم انداز و سرسختی ورزشکاران حرفه ای. مجله تحقیقات در علوم توانبخشی، ۱۶(۱)، ۲۰۸-۲۱۵.
- رضوی، پانیده؛ عابد، نازنین. (۱۴۰۱). نقش میانجی گری مکانیسم های دفاعی رشد نیافته در رابطه بین آسیب های دوران کودکی و ویژگی های خودویرانگر. نشریه رویش، ۱۲(۵)، ۱۷۳-۱۸۲.
- سلطانی، طیبه؛ خلیلی، عفت؛ سهرابی، فرامرز. (۱۳۹۲). مقایسه سرسختی روانشناختی و نوع مکانیسم دفاعی در افراد تحت درمان همودیالیز و افراد عادی. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۸(۱)، ۸۷-۱۰۰.
- فرخزادیان، علی اصغر؛ رضایی، فاطمه؛ صادقی، مسعود. (۱۳۹۸). نقش میانجی گری طرحواره های هیجانی در رابطه بین آسیب های دوران کودکی و اختلال اضطراب فراگیر. روانشناسی بالینی و شخصیت (دانش و رفتار)، ۱۷(۲)، ۸۹-۱۰۱.
- محمودیان، علی؛ معماری نسب، زهرا؛ فرخی، بهاره؛ صباحی، پرویز. (۱۴۰۰). نقش میانجی گری سرسختی روانشناختی در رابطه بین سبک های دلبستگی و پریشانی روانی در دوران شیوع کووید-۱۹، ۲۰(۳)، ۵۲۸-۵۴۰.
- نقش، زهرا؛ رهبری، شکرانه؛ کیلی، مطهره. (۱۳۹۹). رابطه بین سبک های دلبستگی و تاب آوری با میانجی گری لجاجت در دانشجویان. سومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی سرمایه اجتماعی و تاب آوری، تهران.

یزدی، منور؛ افشاری نژاد، سمیرا. (۱۳۹۹). نقش میانجی گری مکانیسم های دفاعی در رابطه بین سبک دلبستگی با ترس از موفقیت. فصلنامه مطالعات روانشناسی، ۱۷(۱)، ۵۹-۷۶.

- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child Abuse and Neglect*, 27 (2): 169-190.
- Caruzzo, N. M., Vissoci, J. R. N., Contreira, A. R., Caruzzo, A. M., & Fiorese, L. (2021). Leadership, mental toughness, and attachment relationship in the world beach volleyball context. *Sustainability*, 13(19), 10748.
- Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40: 126-130.
- Gondo, D., Moreau, D. B., & Campillo, P. (2023). Student Stress and the Effects of Relaxation: A Study Conducted at the University of Lille in Northern France. *Social Sciences*, 12(6): 318.
- Jin, L., & Wang, C. D. (2018). International students' attachment and psychological well-being: the mediation role of mental toughness. *Counselling Psychology Quarterly*, 31(1), 59-78.
- Kobasa, s. c., Maddi, S. R. (1992). Early experience in hardiness development. *Consulting Psychology journal and research*, 51(2), 106-116.
- Liu, J., Kang, R., & Tang, D. (2021). Signaling pathways and defense mechanisms of ferroptosis. *The FEBS journal*.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25:6-10.
- Meeusen, V., Gatt, S. P., Barach, P., & Van Zundert, A. (2024). Occupational well-being, resilience, burnout, and job satisfaction of surgical teams. In *Handbook of Perioperative and Procedural Patient Safety* (pp. 205-229). Elsevier.
- Reilly, L. (2018). LSRP: Defense Styles, Alexithymia, Illness Perceptions, and HRQOL in IBD. Systematic Lit: Neurodegenerative Diseases and Third Wave Therapies (Doctoral dissertation, Queen's University Belfast. (Faculty of Engineering and Physical Sciences, December).
- Shaw, L., Hansen, H., & St Clair-Thompson, H. (2023). Mental toughness is a mediator of the relationship between positive childhood experiences and wellbeing. *European Journal of Developmental Psychology*, 20(1), 130-146.

